**اعتصاب بازاریان و چشم انداز اعتصاب عمومی**

**مصاحبه با حمید تقوایی**

انترناسیونال: روز دوشنبه ۱۶ مهر بازاریان در بسیاری از شهرها دست به اعتصاب زدند و بازارها و مغازه ها در یک حرکت سراسری تعطیل بودند. ارزیابی شما از جایگاه این اعتصاب چیست؟

حمید تقوائی: این اعتصاب در شرایطی صورت میگیرد که جامعه علیه حکومت بپاخاسته است. اعتصاب قدرتمند کامیونداران و رانندگان کامیون که از سه هفته قبل آغاز شده و روزبروز گسترده تر میشود و همچنین اعتصاب عمومی اخیر در شهرهای کردستان در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی و اقدام تروریستی حکومت علیه احزاب اپوزیسیون از جمله آخرین برآمدهای جنبش سرنگونی طلبانه ای است که از دیماه ٩٦ آغاز شده است. اعتصاب بازاریان را باید در این متن و در ادامه این مبارزات بررسی کرد.

جامعه از دیماه سال گذشته صریحا و با صدای بلند اعلام کرده است که جمهوری اسلامی باید برود. در چنین فضائی اعتراضات و مبارزات مردم حتی با همان مطالبات مشخصی که در دوره های قبل مطرح میکردند نظیر افزایش دستمزد و نپذیرفتن دستمزدهای زیر خط فقر، مخالفت با حجاب و بیحقوقی زن، خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و غیره، معنی و مضمون سیاسی و ثقل و جایگاه متفاوتی از شرایط قبل از دیماه دارد. بعد از فریاد "جمهوری اسلامی نمیخواهیم" و اعلام "پایان ماجرا" به هر دو جناح حکومتی، جامعه وارد فازی شده است که هر اعتراض و مطالبه ای عملا و بطور واقعی به معنی بچالش کشیدن کل حکومت است. مردم میدانند که حتی برای تحقق ابتدائی ترین و فوری ترین خواسته هایشان باید حکومت را از سر راه بردارند. میدانند نمیتوان با وجود جمهوری اسلامی به برابری زن و مرد یا دستمزدهای حتی بالاتر از خط فقر و یا لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و یا آزادی اندیشه و بیان و آزادیهای مدنی و یا پایان بخشیدن و حتی تخفیف دادن به فقر و بیکاری و فلاکت دست یافت. کارگران و بخشهای محروم جامعه فهمیده اند که نه تنها برای برخورداری از یک زندگی درخور شأن انسان بلکه حتی برای بقای فیزیکی خود و خانواده شان باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. آنچه در جامعه امروز میگذرد جنگی بر سر بقا است. هم از جانب حکومت و هم از جانب توده مردم. مردم برای بقای زندگی و مدنیت و حکومت برای باقی ماندن در قدرت رودرروی هم قرار گرفته اند. حکومتی ها هم بر این واقعیت واقف هستند. آنها هم بخوبی میدانند که نه با اعتراضات صنفی- مطالباتی شهروندان بلکه با خشم و شورش توده مردم علیه کل موجودیت نظامشان مواجه اند و حتی بارها صریحا و به زبانهای مختلف وحشت و نگرانی خود از سقوط حکومت و بر باد رفتن نظام متبوعشان را بیان کرده اند.

امروز مساله محوری جامعه تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است و مبارزات و اعتراضاتی که در اشکال مختلف بروز پیدا میکند از مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان تا اعتصاب عمومی در کردستان و اعتصاب رانندگان کامیون و اعتصاب بازاریان، جبهه ها و نبردهای مختلف یک جنگ سراسری بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی بشمار می­روند.

انترناسیونال: آیا شما تفاوتی بین اعتصاب بازاریان و اعتصابات کارگری قائل نیستید؟

حمید تقوائی: روشن است که متفاوت اند. هم از نظر ثقل و تاثیرات اجتماعی و سیاسی و هم از لحاظ منافع و موقعیت طبقاتی. کارگران هیچ منفعتی در حفظ هیچ گوشه ای از نظم موجود ندارند در حالیکه بازاریان خود بخشی از طبقه حاکمه هستند. این امر مسلما بر خواستها و پیگیری و رادیکالیسم این مبارازت و نحوه عکس­العمل حکومت نسبت به آنها تاثیر میگذارد. اما بهیچوجه نباید اعتراض و مبارزه بخشهای مختلف مردم علیه وضع موجود را بر مبنای موقعیت طبقاتی معترضین ارزیابی کرد. این بخصوص در شرایط انقلابی که بخشهای مختلف جامعه بمیدان آمده اند یک خطای مهلک سیاسی است. هیچ کس در دفاع از حکومت و یا وضعیت موجود اعتصاب نمیکند!

شاخص و معیار ما در قبال هر اعتراض و اعتصاب باید خواستها و هدف معترضین و جایگاه واقعی اعتراض در مقابله با حکومت و وضعیت موجود باشد و نه خاستگاه طبقاتی اعتراض کنندگان. بازاریان در اعتراض به بی ثباتی اقتصادی، گرانی دلار و نوسانات نرخ ارز، کمبود و گرانی، رکود بازار و افزایش نرخ تورم و مسائلی از این قبیل دست به اعتصاب زده اند. بی ثباتی و از هم پاشیدگی اقتصادی کار و کسب آنها را کساد کرده و در معرض ورشکستگی قرار داه است. همین شرایط یک عامل مهم تشدید و گسترش فقر و فلاکت و بیکاری در کل جامعه است. اکثریت قریب به اتفاق جامعه تحت فشار این شرایط به اعتراض برخاسته است و اعتصاب بازاریان نیز جزئی از خیزش عمومی علیه وضع موجود است. همانطور که اعتصاب کامیونداران بهمراه رانندگان کامیون را باید جزئی از این مبارزات سرنگونی طلبانه دانست.

ما خواستار اعتصاب عمومی علیه حکومت هستیم و اعتصاب عمومی یعنی دست از کار کشیدن نه تنها کارگران بلکه همه بخشهای جامعه، اعم از کارمندان و مغازه داران و بازاریان و حتی رده های پائین و بدنه ارتش و سپاه و سایرنیروهای نظامی حکومت. یک ویژگی شرایط انقلابی این است که حتی بخشهائی از خود طبقه حاکمه علیه دولتی که قابلیت حفظ نظام موجود و توان و قدرت کنترل جامعه و تامین ثبات اقتصادی را از دست داده و رو به سقوط است فعال میشوند و دست به اعتراض و اعتصاب میزنند. در چنین شرایطی همانطور که بالاتر توضیح دادم مبارزات بخشهای مختلف مردم عملا مضمون و تاثیری سیاسی می یابد و به معنی بچالش کشیدن کل حکومت است. از این نقطه نظر نیز اعتصاب سراسری بازاریان را باید یک گام مثبت و کاملا قابل دفاع در دل جنبش سرنگونی طلبانه جامعه بحساب آورد.

انترناسیونال: به اعتصاب عمومی اشاره کردید. اعتصاب عمومی مشخصا چگونه شکل میگیرد؟ آیا منظور از اعتصاب عمومی اعتصاب بخشهای مختلف مردم بر سر خواستهای واحد است و یا اعتصابات همزمان با خواستهای متفاوت؟

حمید تقوائی: اعتصاب عمومی به معنی اعتصابات سراسری و همزمان بخشهای مختلف جامعه است. مردم دارای خواستهای مشترکی هستند و این خواستها در اعتراضتشان مطرح میشود ولی علت و زمینه شکل گیری اعتصاب عمومی مطالبات مشخص این یا آن بخش جامعه نیست. بلکه بچالش کشیدن حکومت و تغییر نظم موجود است. همانطور که بالاتر اشاره کردم تبدیل شدن مساله دولت و بود و نبود حکومت موجود به محور تقابل مردم با حکومت یک ویژگی شرایط انقلابی است. بخشهای مختلف مردم مطالبات شخص و برحقی دارند ولی وقتی دست به اعتصابات همزمان میزنند که بخواهند حکومت را بعنوان مسبب اصلی مصائبشان سرنگون کنند. وقتی به این نتیجه رسیده باشند که تحقق مطالباتشان تحت حاکمیت نظام و دولت موجود امکانپذیر نیست. زمینه و نقطه عزیمت و هدف اعتصابات همزمان، با هر خواست و مطالبه ای که مطرح شوند، عملا بزیر کشیدن حکومت و تغییر وضع موجود است.

این نکته را هم باید تاکید کنم که اهمیت مطالبات و اهداف مشخص مردم در اینست که اعلام میکنند چرا ناراضی هستند و چرا باید حکومت سرنگون بشود و به این اعتبار هر چه خواستها و اهداف اعتراضات و اعتصابات رادیکال تر و جامع تر و ناظر بر تغییرات همه جانبه تر و عمیقتری در وضع موجود باشند در سرنگون کردن حکومت و تغییر بنیادی وضع موجود کارآ تر و موفق تر خواهند بود. اعتصابات همزمان مردم ممکن است حول خواستهای متعدد و متنوعی شکل بگیرد اما اگر این خواستهای متفاوت علیه تبعیضات و بیحقوقیها باشند و خواستها و اهداف برحق و انسانی بخشهای مختلف جامعه را منعکس کنند تنوع آنها نشاندهنده نقطه قوت و همه جانبگی مبارزات مردم است. امروز بموازت شکل گیری اعتصابات لیستی از این خواستها و اهداف بر حق مردم به شکل طومارهای مختلفی، از جمله طوماری با عنوان بیانیه آزادی، دست بدست میچرخد و در مدیای اجتماعی منعکس میشود. ریشه کن کردن فقر و فلاکت و بیکاری و لغو اعدام و آزادیهای مدنی و آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه عامل و آمرین کشتارها و دفاع از حقوق زنان و کوتاه کردن دست مذهب از دولت و تحصیل و درمان رایگان و خواستها انسانی و پایه ای از این قبیل ازجمله اهداف مطرح شده دراین طومارها است. هزاران نفر این طومارها را امضا کرده اند و این خود نوعی تدارک سیاسی و مضمونی اعتصابات سراسری و عمومی است.

انترناسیونال: در خشم و نارضائی اکثریت عظیم مردم و عزمشان برای بزیر کشیدن حکومت تردیدی نیست اما به نظر شما از نظر عملی تا چه حد شرایط برای شکل گرفتن یک اعتصاب گسترده عمومی و سراسری فراهم است؟

حمید تقوائی: به نظر من شرایط عملی برای شکل گیری اعتصابات از هر زمان بیشتر فراهم شده است و اعتصاباتی که امروز شاهد هستیم طلایه های یک اعتصاب سراسری و عمومی هستند. از نظر سیاسی خیزش دیماه یک نقطه عطف تعیین کننده در اوضاع سیاسی جامعه بود. طنین افکندن همزمان شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم در بیش از صد شهر شرایط عمومی جامعه و توازن قوا را در یک سطح سراسری به نفع توده مردم و به ضرر حکومت تغییر داده است. بدنبال این خیزش مبارزه دختران انقلاب علیه حجاب و آپارتاید جنسی، اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی، اعتراضات مالباختگان علیه دزدیها و فساد مقامات، مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، مبارزه توده مردم در اعتراض به شرایط غیر قابل تحمل محیط زیست، و بویژه اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه فقر و گرانی و شرایط فلاکتبار معیشتی که خود زمینه ساز جنبش دیماه بود و پس از آن ابعاد گسترده تر و رادیکال تری یافت، شرایط مساعدی برای شکل گیری اعتصابات سراسری و عمومی فراهم کرده است.

اعتصاب عمومی در کردستان، اعتصاب پیگیر و سراسری کامیونداران و رانندگان کامیون و اعتصاب بازاریان حاصل این شرایط است. رژیم هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی در بحران لاعلاجی دست و پا میزند و چشم اندازی برای تغییر شرایط انفجاری امروز و امکان پاسخگوئی حتی به ابتدائی ترین خواستهای مردم را ندارد. برای رژیم چاره ای بجز سرکوب و سرکوب بیشتر نمانده است اما در این شرایط و توازن قوا تشدید سرکوب تنها میتواند به آتش خشم مردم بیشتر دامن بزند. رژیم هنوز توان سرکوب دارد ولی توان ارعاب مردم را از دست داده است. همانطور که رانندگان اعتصابی اعلام کرده اند سرکوب و بگیر و ببندد تاثیری در مبارزه سراسری آنها نخواهد داشت. عملا هم تا امروز خط نشان کشیدنها و دستگیریها نتوانسته است مبارزات مردم را به عقب براند و حتی از گسترش آن جلوگیری کند. همه چیز حاکی از آنست که بحران سیاسی و اقتصادی روزبروز شدیدتر و عمیق تر و شرایط زندگی اکثریت عظیمی از مردم هر روز وخیم­تر و غیرقابل تحمل­تر خواهد شد. مجموعه این عوامل شرایط بسیار مساعدی را برای تشدید و تعمیق و گسترش مبارزات جاری و نهایتا شکل گیری اعتصابات عمومی و سراسری بوجود آورده است. حزب ما با تمام توان میکوشد این اعتصابات در ابعادی هر چه وسیع­تر و پیگیرتر و سازمان یافته­تر شکل بگیرد و ضربه کاری و نهائی را به نظام جمهوری اسلامی وارد کند.